



دکتر محدثه جزایی
دبیر انجمن علوم سیاسی شعبه خراسان

(آفاق)

الگوی سوم زن مسلمان واهمیت آن

الگو، اسوه، رهنما، نمونه آرمانی یا هر مفهوم دیگری، از نیاز به نظم در زندگی اجتماعی برمی خیزد: این واقعیت که در هر صورت، برای ارزیابی «خوب» هر چیزی، به معیار و نمونه‌ای اولیه نیاز است تا با اندازه گرفتن نزدیکی و دوری به آن بتوان دست به قضاوت زد. الگوی سوم زن مسلمان در نگاه مقام معظم رهبری برای زنان، قبل از هر چیز یک نقشه راه است، چراغ قوه‌ای پرنور که مسیر و راه پریچ وخم زندگی در دوران کنونی را به زنان نشان می‌دهد. اما این الگواز هرگونه افراط و تفریط می‌پرهیزد. یعنی نه بر سر آن است که تنها یک تصویر را به عنوان نمونه آرمانی برای یک‌دست‌سازی و یک‌شکل‌سازی زنان ارائه دهد و نه می‌خواهد بر شباهت‌های وجودی و اهداف متعالی‌ای که در جامعه ایرانی و پیش روی زنان مسلمان وجود دارد چشم‌پوشی کند. راه‌سومی که در میانه ۲ کلان‌الگواز زنان وجود دارد، با نقد نگاه‌های موجود می‌کوشد مسیر تازه‌ای بیابد.

همان‌طور که زندگی انسان در نتیجه پیشرفت‌های شگرف متحول شده، توجه به الگوها نیز در این زمینه با تغییرات ژرفی روبه‌رو شده است. در حقیقت، هنگامی که از الگوپذیری در جوامع انسانی سخن می‌گوییم، به چیزی سراسر متفاوت با مقیاس و خط‌کش‌های موجود در خیاطی، نقاشی و به‌طور کلی جهان بی‌جان‌ها اشاره می‌کنیم. پس پیش از هر چیز باید گفت همسانی میان دوخت پارچه از روی الگو، برای تهیه لباس با یک موجود زنده و پویا، بسی ناکارآمد و اشتباه است. درباره الگوسازی برای زنان، هردو کلان‌روایت غربی و شرقی پا در مسیر افراط و تفریط می‌گذارند. از یک سو، نگاه غربی به نقد الگوسازی برای زنان از این پنداشت ناروا نشئت گرفته است که گویی هرگونه توجه به الگو زنان را موجوداتی فاقد اراده در نظر می‌گیرد و از آن‌ها می‌خواهد تنها در یک مسیر مشخص گام بگذارند. این در حالی است که در نگاه روایت غربی از زنان، همواره الگوهای وجود دارند که ارج‌گذاری ظاهر زنان در قالب‌های به رسمیت شناخته‌شده را در دستور کار خود قرار داده است. از سوی دیگر، نگاه شرقی با معرفی تنها یک الگوی قابل قبول، پیروی و تقلید موبه‌مو و بدون تخطی از یک ایماژ را پشتیبانی و حمایت می‌کند. این در حالی است که الگوی سوم زنان، ضمن احترام و ارج‌گذاری به مسیرهای متفاوت برای انتخاب در زندگی زنان، توجه و برجسته‌سازی‌های ویژگی‌های متفاوت و زیننده زن مسلمان در جامعه ایرانی را روشی مناسب برای ایجاد هم‌بستگی اجتماعی و تقویت ظرفیت زنان و دختران جوان می‌داند.

در حقیقت، الگوی سوم زنان تنها به ارائه یک الگو نیز مبادرت نمی‌ورزد زیرا هرگونه تلاش برای یک‌دست کردن جامعه زنان محکوم به شکست است. اگرچه انسان‌ها در آفرینش با هم برابرند، در تجلی و نمودار این آفرینش در قالب و فرم با هم متفاوت‌اند و باید پذیرای این تفاوت باشند. احترام به تفاوت‌ها میان زنان، ضمن وجود برخی اهداف و پایه‌های مشترک، نقطه آغازی است که الگوی سوم بر آن تأکید می‌کند.



شهر بانو

شهر بانو

۲۰ شنبه
۱۰ آبان ۱۴۰۰
اربع‌الانی ۱۴۴۴ شماره ۲۵۱۷

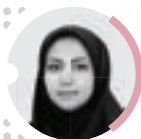
(۲)



عکس تزئینی است

(فروغ)

تکنم جاوید
کارشناس ارشد روانشناسی عمومی



ترک یک اعتیاد برای درک شادی

خواهد کرد. به جای تکرار بی‌پایان کاری کنید. شاید مشکل را حل نکنید اما به محض شروع کوچک‌ترین تلاش، حس بهتری می‌یابید. به این ترتیب، به محض اینکه ضمیر ناخودآگاه شما باور کند امید بازگشته است، حس خوب را به شما خواهد داد. این یعنی حس شادی و مثبت‌نگری.

بخش زیادی از مشکلات کنونی زندگی ما به همت نیاز دارند و تلاش برای تغییر. این در حالی است که گفتن از مشکلات خود و شنیدن مشکلات دیگری باعث می‌شود تصور کنیم اوضاع همه همین است و چاره‌ای نیست. صحبت کردن مداوم از مشکلات اگر برایتان عادت شود، اثر منفی خواهد داشت و ضمیر ناخودآگاهتان هربار با احساسات بد، مجازاتتان خواهد کرد. در مقابل، حتی تصمیم به عمل کردن و شروع به تغییر وضعیت را بهتر خواهد کرد هرچند مشکل هنوز برطرف نشده باشد. آن‌ها که کمتر از دردهای خود سخن می‌گویند انگار آستانه تحمل بیشتری دارند. شاید به همین جهت باشند که می‌گویند دستورالعمل زندگی شاد منحصر به فرد است زیرا مشخص نیست تکرار غم‌ها چه بلایی سر روح و روان هرکدام از ما می‌آورد. کمی سکوت کردن یا کمتر سخن گفتن از بدی‌ها، تمرین فردی لازم دارد و اراده‌ای برای شروع مثبت‌اندیشی.

آیا هر روز از مشکلات زندگی مشترکتان با همکاران حرف می‌زنید؟ آیا به هر بهانه‌ای دوباره دعوای خانوادگی قدیمی را بازگو می‌کنید؟ آیا همه دوستان و اطرافیانتان از مشکلات شخصی و کاری شما خبر دارند؟ برای خیلی‌ها یمان پاسخ مثبت است. از ابتدای صبح تا لحظه خواب، به هر بهانه‌ای از بدبختی‌هایمان یاد می‌کنیم و ظلمی را که بر ما رفته است برای دیگری شرح می‌دهیم و تنها با همین یک ویژگی اخلاقی می‌توان اطمینان داد که بعید است دیدگاه مثبت و زندگی شاد به سراغ ما بیاید.

جایی نوشته بود «صحبت کردن درباره مشکلات شخصی بزرگ‌ترین اعتیاد ماست.» و این اعتیاد بین زنان بسیار مشهود است. احساس‌های دردناک فراوانند و تجربه آن‌ها به من و شما پیام می‌دهند که چیزی در جایی نادرست است اما این خودمان هستیم که انتخاب می‌کنیم در رویارویی با این احساسات چه کنیم. همیشه فرصت برای صحبت از دردها و رنج‌ها را داشته و از آن به قدر کافی بهره گرفته‌ایم. اکنون زمان آن رسیده است که از شادی‌هایمان صحبت کنیم. مسئله اینجاست که مرور و تکرار رنج‌ها و غم‌ها نه تنها حال ما را بهتر نمی‌کند بلکه احساس تلخ‌اولیه را در ما بیدار